



زمانی که با ناصر عبداللہی تہران بودم حدود
چہار قطعہ آمادہ و ضبط شد ولی ہیچگاہ منتشر نشد. الان ہم
بہ موسیقی علاقہ دارم ولی چون دوست داشتم شکل جدیدی از
موسیقی جنوب را اجرا کنم، نیاز بود روی آن کار کنم

گفت و گو با سیروس کھوری نژاد، بازیگر شناختہ شدہ ہرمزگانہ

از «مروارید» تا «می می سابو»



سیروس کھوری نژاد متولد دوم مرداد ۱۳۴۲، اہل بندرعباس و دارای مدرک کارشناسی ارشد کارگردانی از دانشگاه تربیت مدرس تہران است و در برخی از دانشگاهہا و دانشکدہ ہای ہنر کشور تدریس می کند. از سال ۱۳۵۹ با نمایش متوری بہ کارگردانی شہرہ لرستانی در دانشکدہ ہنرہای زیبای تہران کار بازیگری را آغاز کرد. نگارش و کارگردانی فیلم کوتاہ داستانی دنیای من (سال ۱۳۶۴) در انجمن سینمای جوان بندرعباس از نخستین کارہای ہنری جدی اش در ہرمزگان است. وی در سال ۱۳۶۵ فیلم «بی بی» را ساخت و نخستین کار سینمایی کھوری نژاد سال ۱۳۶۷ بازی در آن سوی غروب بود.

در نمایش ہای بابور، شہرزاد، جہاز جادو، عروسی چاہ، تاجر ونیزی و... بازی کردہ و در حوزہ نگارش، نمایش نامہ ہای باد بادک ہا، داغ پوست و... را بہ رشتہ تحریر درآوردہ است.

اوتابہ حال نمایش ہای زیادی را کارگردانی کردہ و بازی در بیش از ۲۰ فیلم تلویزیونی و ۱۳ فیلم سینمایی در کارنامہ این بازیگر ہرمزگانی دیدہ می شود اما نقش وی در فیلم روز واقعہ، ولایت عشق و بازی زیبای وی در فیلم اخراجی ہا و یوسف پیامبر فراموش نشدنی است.

فعالیت ہنری را از چہ زمانی شروع کردید؟

من با نمایش مشروطہ خواہان بہ کارگردانی احمد حبیب زادہ وارد جگہ تئاتر شدم و پس از انجام خدمت مقدس سربازی دوبارہ بہ بندرعباس برگشتم و در انجمن سینمای جوان در رشتہ عکاسی و کارگردانی در کنار استاد احمد حبیب زادہ، علی رضایی و منصور تعیمی مشغول فعالیت بودم و فعالیت جدی ہنری را با نگارش و کارگردانی فیلم کوتاہ دنیای من کہ در بندرعباس تولید شد و یک فیلم ہشت میلی متری بود، آغاز کردم.

چہ شد کہ بہ تہران مہاجرت کردید؟

علت مہاجرت و نقل مکانم بہ تہران دروہلہ اول این بود کہ این رشتہ را بہ صورت آکادمیک ادامہ دہم و ذہنیت من در رابطہ با ہنر بازیگری فقط محدود بہ ہرمزگان نبود و استاد علی رضایی و منصور تعیمی خیلی در شکل گیری این نوع تفکر اثرگذار بودند و بہ نوعی افق بازی برایم ترسیم کردند کہ مرا بہ این خودباوری رساند کہ می توانم در این حوزہ موفق شوم. وقتی ہم آمدم تہران تنها بہ آموزش ہای آکادمیک اکتفا نکردم و اساتیدی چون زندہ یادسمندریان، پری دخت زاہدی و دکتر صادقی کہ ہمگی تحصیل کردہ خارج از کشور ہستند، ما را مکلف کردند کہ با ہنر جہان آشنا شویم و در عین حال، تجربیات عملی خودشان را بہ ما منتقل کردند و علاوہ بر آن یک سال خارج از فضای آکادمیک از محضر اساتید بزرگ این حوزہ بہرہ بردم و مرادہ زیادی با بازیگران مطرح و اساتید این حوزہ داشتم کہ بتوانم یاد بگیرم و تنہا بہ یک اتفاق آکادمیک و کتاب اکتفا نکردم بلکہ وارد عمل و اجرا شدم.

از ہنر و ہنرمندان ہرمزگانی ہم برایمان بگویید.

ما نیازمند ہمبستگی ہستیم کہ لازمہ ہنر ہرمزگان است؛ باید ہنرمندان با یکدیگر مرادہ داشتہ باشند کہ اتفاق بزرگی شکل بگیرد؛ رسانہ پرمخاطبی مثل صدا و سیما باید حامی ہنرمندان حوزہ تئاتر باشد و از طرح ہای ہنرمندان فاخری چون استاد علی رضایی و... استفادہ کند؛ ایشان انسان بسیار فرہیختہ ای است و باید بہ دانش وی و دیگر اساتید این حوزہ ارج نہادہ شود. بہ امید روزی کہ ہنرمندان ہمہ رشتہ ہا با تعامل، تفاہم و ہمبستگی، پرچم ہرمزگان را بر قلہ رفیع فرہنگ و ہنر این سرزمین ہمچون گذشتہ برافراشتہ نگہ دارند.

گویا شما اولین گروہ ایرانی راہ یافتہ بہ جشنوارہ بین المللی تئاتر بودید؟

بلہ؛ با نمایش «روزگار نازنین طلعت مہربان»، در جشنوارہ جادہ ابریشم کہ سال ۷۸ در آلمان برگزار شد، بندہ بہ عنوان کارگردان جوان و آقای بیضایی بہ عنوان کارگردان پیشکسوت بہ این جشنوارہ راہ پیدا کردیم و بہ نوعی نخستین گروہی بودیم کہ از ایران برای تئاتر بین الملل رفتیم.

بازی در کدام نقش سینمایی یا تلویزیونی برای خودتان دلچسب تر بودہ است؟

نقش خودم در فیلم سینمایی مروارید را خیلی دوست دارم و بہ نوعی متفاوت ترین نقش کارنامہ بازیگری ام بودہ کہ برای آن خیلی زحمت کشیدم. شک نکنید اگر این فیلم بہ جشنوارہ فجر می رفت، جایزہ بازیگری متعلق بہ من بود، اما

متأسفانہ سینمای ایران بیش از حد بہ سمت بازیگران گیشہ ای گرایش پیدا کردہ است و برای ہمین این سینما بہ بازیگران واقعی روی خوش نشان نمی دہد. می می سابو در یوسف پیامبر ہم از جملہ نقش هایی بود کہ خیلی برایم دلچسب بود.

فکر می کنید کدام اثر باعث شہرت شما شد؟

من مسیر بازیگری را پلہ بہ پلہ و آرام آرام طی کردم و نمی شود گفت یک شبہ بہ شہرت رسیدم، اگرچہ ہنوز راہ زیادی برای رسیدن بہ قلہ دارم اما فکر می کنم بازی در نماہنگی بہ اسم «سپید و سیاہ» کہ در سال ۷۸ و ۷۹ نماہنگ برتر سازمان صدا و سیما شد، باعث شہرت شد.

اگر می خواہی بازیگر شوی یا باید پول خوبی داشتہ باشی یا پارتی؛ آیا واقعیت ہمینطور است؟

این مورد قبول من نیست. یک دفعہ یک عرف در جامعہ مطرح می شود کہ بندہ از آن بہ عنوان یک ارزش ناپایدار می توانم نام ببرم ولی در زمان فعلی ارزش است؛ اگرچہ برخی از این طریق ورود کردند اما بعدا تحصیلات دانشگاهی و آکادمیک را گذراندند و الان ہم بازیگران خوبی ہستند و تماشاگر دوستشان دارد و البتہ یک سری نقش های محدودی را می توانند بازی کنند.

اما بازیگر تنہا با پشتکار و تحمل مشقّات ہنر می تواند رشد پیدا کند و آن چیزی کہ بازیگر را

حفظ می کند، حرکت آہستہ و مداوم است.

چرا بازی در نقش اوباما در کار «فیلسوف های احمق» را رد کردید؟

پیش شرط کار ہنری سیاسی، جہان بینی لازم است؛ یعنی شما وقتی کسی بہ اسم اوباما را جلوی پردہ سینما می آوری باید واقعیت این شخص را بر اساس تحقیقات کامل و جامع بہ نمایش بگذاری و در کارہای اینچینی نمی توانیم نظرات شخصی خود را اعمال کنیم. بندہ یک کار سیاسی راجع بہ فلسطین نوشتم اما تاریخ اسرائیل و فلسطین را خواندم و روند شکل گیری صہیونیزم و جنگ جہانی و... کہ منجر شد بہ یک اثر ہنری درست و قابل دفاع.

اثری کہ فاقد پشتوانہ تحقیقی لازم باشد نتیجہ عکس می دہد.

رابطہ تان با موسیقی چطور است؟ شنیدہ ایم دوست ناصر عبداللہی بودہ اید.

زمانی کہ با ناصر عبداللہی تہران بودم حدود چہار قطعہ آمادہ و ضبط شد ولی ہیچگاہ منتشر نشد. الان ہم بہ موسیقی علاقہ دارم ولی چون دوست داشتم شکل جدیدی از موسیقی جنوب را اجرا کنم، نیاز بود روی آن کار کنم کہ از یک سو با توجہ بہ نبود فرصت کافی برای پرداختن بہ آن و از سوی دیگر با وجود اساتید بہ نام حوزہ موسیقی جنوب در ہرمزگان، ورود بہ این عرصہ نیازمند تأمل و تفکر بیشتری است کہ کار را برایم سخت کردہ و فعلا تصمیمی در این زمینہ ندارم.